

چشم تماشا

نزّهة الناظر و تنبيه الخاطر

هادی قمی

سبک شناخت نگارش های حدیثی شیعه نشان از آن دارد که محدثان شیعه، نگاشته های خود را بیشتر به شکل موضوعی تنظیم می نموده و چینش احادیث را براساس محتوا و مضمون و نه گوینده و راوی حدیث سامان می داده اند. در این میان تنها چند مؤلف انگشت شمار داریم که نه از شیوه موضوعی بلکه از سبک مستندی پیروی کرده و احادیث هر معصوم را جداگانه و هر کدام را در یک فصل آورده و کتاب را به ترتیب معصومان (ع) مرتب ساخته اند. کتاب مشهور تحف العقول از ابن شعبه حرّانی در قرن چهارم ق و الدرّة الباهرة منسوب به شهید اول در قرن هشتم از این زمره اند و کتاب حاضر حلقه میانی این دو کتاب است.

نزّهة الناظر و تنبيه الخاطر به راستی بوستان خستگان اندیشه است. تالّو سخنان حکمت آموز هر معصوم و درخشش یکایک این درّهای سفته، خواننده را در فضایی تماشایی فرو می برد و به امتداد خواندن او را از دنیا و بندهای شیطانی آن می رهاند و با حقیقت نهفته در ژرفای کلمات پیشوایان هدایت آشنا می سازد.

این کتاب افزون بر مفید بودن برای عموم مردم نیاز پژوهشگران را به احادیث یک معصوم مشخص در زمینه مسائل اخلاقی و اجتماعی برطرف می کند و منابع آورده شده در پانوشت تصحیح های جدید کتاب، راه محققان را برای دسترسی به اسناد هر حدیث و مضمون های مشابه آمده در احادیث دیگر هموار می سازد.

نام مؤلف

خوش بختانه کتاب نزّهة الناظر و تنبيه الخاطر افزون بر قوت محتوایی و علو معانی، دارای مؤلفی شناخته شده و معلوم است. مؤلف نام خود را حسین بن محمد بن الحسن می نامد و با مراجعه به اسامی واقع شده در اسناد احادیث مانند آنچه در



نزّهة الناظر و تنبيه الخاطر، ابی عبدالله الحسین بن محمد بن حسن الطوانی، ترجمه و تحقیق: عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳، ۲۵۵ص، وزیری.

بشارة المصطفی نوشته محمد بن ابوالقاسم طبری (قرن ۶) و نیز ذیل تاریخ بغداد از ابن نجار بغدادی (متوفی ۶۴۳ق) آمده است می توانیم او را کامل تر و به این گونه بشناسیم: ابو عبدالله الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر الحلوانی.

این شهر آشوب (۵۸۸م) این نام یعنی الحسین بن محمد بن الحسن را در کتاب معالم العلماء که به ذکر نویسندگان شیعه اختصاص دارد عنوان کرده^۲ و ابن بطریق (۵۳۳-۶۰۰ق) هم در کتاب العمدة به هنگام تبیین حدیث تکریم عباس عموی پیامبر گرامی (ص) می گوید:

ویزید ذلك یبانا وإيضاحاً ما ذكره الحسین بن محمد بن الحسین الحلوانی فی كتابه الذی جمعه من لمع كلام النبی (ص) و كلام الائمة (ع) قال: فی لمع كلام الإمام الزکی أبی الحسن علی بن محمد العسکری (ع) لِمَا سئلہ المتوکل فقال له: ما تقول بنو أیبک فی العباس؟ قال: ما یقولون فی رجل فرض الله طاعة علی الخلق و فرض طاعة العباس علیه.^۴

ابن حدیث با همین متن در زهة الناظر موجود است^۵ و تعبیر «لَمَع» - که همان تعبیر مؤلف در مقدمه و نیز مؤخره کتاب از احادیث گردآورده اش و عنوان ابواب کتاب در برخی نسخه ها^۶ می باشد - جای تردیدی نمی نهد که منظور ابن بطریق از حسین بن محمد بن حسین الحلوانی همین مؤلف زهة الناظر است و «حسین» دوم تصحیف «حسن» است که تصحیفی شایع و عادی در کتابت و استنساخ می باشد.

علامه مجلسی نیز در باب «ما جمع من جوامع کلم امیر المؤمنین (ع)» هنگام اشاره به کتاب هایی که برخی از احادیث درباره حضرت علی (ع) را در خود جای داده اند از زهة الناظر نام می برد و آن را تألیف حسین بن محمد بن حسن می داند.^۷ کتاب شناسان دیگری نیز این مطلب را تأیید کرده اند؛ سید اعجاز حسین^۸ و شیخ آقا بزرگ تهرانی^۹ از این زمره اند.

بر همین اساس، نظر دیگر ابن شهر آشوب^{۱۰} و نیز نظر شیخ نوری^{۱۱} - که کتاب را به ابویعلی محمد بن حسن جعفری^{۱۲} نسبت داده است - درست نیست و همان گونه که شیخ آقا بزرگ می گوید^{۱۳} این مطلب با تصریح مؤلف به نام خود در پایان کتاب سازگار نیست و منشأ اشتباه، دو شرح نوشته شده از سوی ابویعلی جعفری بر دو حدیث از کتاب است.^{۱۴}

مؤید این مطلب، آن است که سید بن طاووس در کتاب الیقین احادیثی را در باب نامیدن علی (ع) به امیر المؤمنین و خیر الوصیین آورده^{۱۵} و منبع آن را «نهج النجاة فی فضائل امیر المؤمنین و الائمة الطاهرين من ذریته صلوات الله علیهم اجمعین» نوشته

الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر الحلوانی دانسته است. ابن طاووس این نام و نسب را در جای دیگری از کتابش تکرار می کند^{۱۶} و از این رو اگر مانند شیخ آقا بزرگ بتوانیم اتحاد مؤلف نهج النجاة و زهة الناظر را استظهار کنیم انتساب کتاب زهة الناظر به حلوانی تأیید می شود.

شیخ آقا بزرگ در الذریعه می گوید: «یأتی استظهار اتحاد صاحب زهة الناظر مع نهج النجاة یعنی لروایتیه فیهما عن أبی القاسم بن المفید محمد^{۱۷}» و سپس در جای خود نهج النجاة را از حسین بن محمد بن نصر الحلوانی می خواند و به منقولات ابن طاووس از آن در الیقین اشاره می کند.^{۱۸}

اتان کلبرگ نیز این حدس آقا بزرگ را صائب دانسته و مؤلف این دو کتاب را یک نفر و همان حسین بن محمد بن الحسن الحلوانی دانسته است.^{۱۹}

۱. بشارة المصطفی، ص ۱۰۵.
۲. ذیل تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۰۸.
۳. معالم العلماء، ص ۷۸، رقم ۲۷۳.
۴. العمدة، ص ۸.
۵. بخش احادیث امام عسکری (ع).
۶. مانند نسخه در دسترس شیخ آقا بزرگ تهرانی، ز. ک: الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۲۷، رقم ۶۳۸.
۷. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶.
۸. کشف الحجب والاسرار، ص ۵۸۰، رقم ۲۲۶۰.
۹. الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۲۷، رقم ۶۳۸.
۱۰. معالم العلماء، رقم ۶۷۴.
۱۱. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۹۲، رقم ۳۹.
۱۲. او استاد حلوانی و جانشین شیخ مفید می باشد و همراه نجاشی، غسل و تجهیز سید مرتضی را در سال ۴۳۶ق عهده دار بوده است. ر. ک: نجاشی، رقم ۱۰۷۰.
۱۳. الذریعه، ج ۴، ص ۲۵۹.
۱۴. رجوع کنید به بخش احادیث امام باقر (ع) و امام جواد (ع).
۱۵. الیقین، ص ۱۱۱.
۱۶. همان، ص ۳۸۹.
۱۷. الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۱۱.
۱۸. همان، ج ۴۲، ص ۴۲۵، رقم ۲۲۲۴. گفتنی است شیخ آقا بزرگ در ادامه، اشتباه ابن طاووس را در مسأله تاریخ کتاب نهج النجاة گوشزد کرده و از این رو مانع انتساب آن را به حلوانی زوده است.
۱۹. کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۶۷.

مرتضی (م ۴۳۶) ۲۶ و شیخ ابوالقاسم علی بن محمد فرزند شیخ مفید و ابویعلی جعفری (م ۴۶۳) ۲۷ داماد و جانشین شیخ مفید از استادان حلوانی اند و تاریخ ذکر شده شاگردی او نزد برخی از ایشان و نیز تاریخ استفاده او از علامه بندینجینی ۲۸ در سال ۴۲۵ ق تردیدی باقی نمی گذارد که او در دهه های میانی قرن پنجم می زیسته است .

انگیزه تالیف

حلوانی در عصر طلایی فرهنگ و ادب می زیسته و سخن نخست مجامع فرهنگی آن روزگار، فصاحت و بلاغت و سلاست بوده است . او بمانند سلف صالح خویش، سید رضی پا به میدانی نهاد که قهرمانی اش از آن سخنوران بود و در عرصه ای به طرح اندیشه های علوی و جعفری و معارف اهل بیت (ع) پرداخت که شعر و نثر و مقامه نویسی نشانه فضل بود . در عصر او متعلمان، کتاب های جاحظ و ابن عبیده ریحانی و سخنان عتایی و اشعار ابان لاحقی را فرامی گرفتند و در این میان اراده غالب حاکمان بر حذف و مهجور نهادن سخنان فصیح و نغز امامان معصوم شیعه (ع) بود و این، زمینه را به نفع دیوانیان و به زیان شیعیان آماده می ساخت . او فضای معاصر خویش را چنین ترسیم می کند :

هرگاه از امیر مؤمنان (ع) و دیگر امامان (ع) یاد می شود رنگ چهره دگرگون شود و اگر اندرزی نیکو یا حکمتی رسا و یا عبارتی برجسته و خطبه ای نمایان و نوشته ای

استادان و مشایخ حلوانی

بر اساس آنچه گفته شد مؤلف کتاب فردی شناخته شده و مورد اعتنای عالمان عصر خود بوده است . او نزد الشریف محمد بن الحسن بن حمزة ابویعلی جعفری - که از مراجع شیعه پس از شیخ مفید و داماد و جانشین او بوده - ۲۰ درس خوانده و چون محل سکونتش ۲۱ محله کرخ بغداد بوده است از محضر عالمی چون شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی بهره برده است .

طریق روایی واقع در کتاب بشارة المصطفی اثر عمادالدین طبری، ۲۲ شاگردی او را از محضر سید مرتضی در سال ۴۲۹ ق به روشنی نشان می دهد و سند واقع در کتاب ذیل تاریخ بغداد اثر ابن النجار البغدادی، ۲۳ استفاده او را از ابوالحسن علی بن المظفر بن بدر (علامه بندینجینی) در سال ۴۲۵ ق اثبات می کند .

ابو عبدالله حسین بن محمد حلوانی خود نیز در آخرین روایت کتابش که آن را مستأذ ذکر می کند به استاد دیگرش که به احتمال از استادان اصلی وی بوده اشاره می کند . حلوانی طریق خود را چنین آغاز می کند : «أخبرنی الشیخ ابوالقاسم علی بن محمد بن محمد المفید رحمه الله» که حاکی از شاگردی او نزد فرزند شیخ مفید است . بنابر آنچه ابن طاووس می گوید حلوانی از او در کتاب دیگرش نهج النجاة نیز حدیث نقل کرده است . ۲۴

شاگردان حلوانی

بر اساس طریق های روایی گذشته می توان «علی بن الحسین بن علی الرازی» و «ابوزکریا یحیی بن علی الخطیب التبریزی» را از شاگردان حلوانی دانست . افزون بر این، بهره گیری دانشمندان و نویسندگان از کتاب به ویژه عمادالدین طبری مؤلف بشارة المصطفی و ابن بطریق از بزرگان قرن ششم نشان از استقبال عالمان از کتاب او دارد .

عصر مؤلف

بر اساس علم طبقات رجال و با توجه به سال وفات مشایخ حلوانی می توان وی را از محدثان قرن پنجم ق دانست، زیرا همان گونه که گذشت شاگردان شیخ مفید (م ۴۱۳) ۲۵ مانند سید

۲۰ . ر . ک : رجال نجاشی، رقم ۷۰۸؛ فرحة الغری، ص ۱۲۵ .

۲۱ . مولد حلوانی، حلوان از شهرهای عراق است، اما به جهت آن که بغداد، پایتخت و پایگاه علم بوده، به آن جا کوچ کرده است . حلوان نام چند مکان است و از جمله آنها حلوان عراق در شمال بغداد و در منطقه کوهستانی آن است . حلوان شهری آباد و محل نشو و نمای عالمان متعددی بوده است . ر . ک : معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۹۰ .

۲۲ . بشارة المصطفی، ص ۱۰۵ .

۲۳ . ذیل تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۰۸ .

۲۴ . البقین، ص ۲۸۹ .

۲۵ . رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷ .

۲۶ . همان، رقم ۷۰۸ .

۲۷ . رجال نجاشی، رقم ۱۰۷۰؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۱۱، رقم ۱۰۴۷۳ .

۲۸ . بندینجین از توابع بغداد و در ناحیه کوهستانی آن در سمت نهر وان قرار داشته است و تنی چند به آن جا موصوفند . به گمان ما او ابوالحسن علی بن المظفر بن بدر از مشایخ خطیب بغدادی و شاگرد ابوالاحمد حسن بن عبدالله بن سعید عسکری مؤلف الزواجر والمواعظ از مشایخ صدوق است . ر . ک : تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۱۴۶، رقم ۵۲۹۵؛ الدرریمه، ج ۱۲، ص ۶۰، رقم ۴۷۳ .

شیوا روایت شود متغیر گردد و شنونده می گوید من و امثال من چنین خبری نشنیده ایم و من می گویم اگر به دیده انصاف بنگری و از زورگویی و مخالفت کناره بگیری خواهی دانست که آنچه شنیده ای نمی ازیمی و کمی از فراوان است.^{۲۹}

حلوای سیاست های کهنه بنی امیه را زمینه ساز جریان های عصر خویش می داند. او به سیاست عبدالملک بن مروان اشاره می کند که همچون سلف بدکار خویش (معاویه) تمام تلاش خویش را در خاموش کردن نور علوی به کار برد و نیز به شواهدی همچون شیوه تحدیث حسن بصری از امام علی (ع) که چون قصد داشت حدیثی از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کند از بیم بنی امیه می گفت: قال أبو زینب. ۳۰

حلوای استمرار این جریان را موجب نسبت دادن فضایل و مناقب و حتی سخنان شیوا و بلیغ اهل بیت (ع) به رقیبان و دشمنان ایشان می داند و سخنان ادبی این مقفّع زندیق و جاحظ عثمانی و همگنان اینان را زمینه ای می داند که کلمات گهربار علی (ع) و فرزندان بزرگوارش را به چنین اشخاصی نسبت دهند و شاید برخی از آنان هم در اقتباس آشکار و پنهان از سخنان علی (ع) متهم باشند. ۳۱ او به صراحت اعلام می دارد که قصد کلی، اطفای نور الهی و انهدام آثار اهل بیت (ع) است، اگرچه خدا از خاموش شدن نور خود ابا دارد. حلوای سپس عبارت سید رضی را در تأیید گفته خود نقل می کند که این دشمنان را به دو دسته جاهل و گمراه و فرورفته در ظلمت از یک سو و آگاه از فضایل اهل بیت و عالم کاتم و حيله گر تقسیم می کند که هر دو دسته به دنبال دنیای خویش و روزی خوردن از قلم بی زخم و ریش خودند که نویسنده آن را در کف ندارد، بلکه سر به چرخش چشم و دست حاکمان دارد.

نکته جالب توجه، اقتدای حلوای به سید رضی در مبارزه با این وضعیت است. او به همان گونه که سید رضی سخنان بلیغ علی (ع) را برگزید و تنها به جمع آوری و حتی تقطیع سخنان و بخش هایی از خطبه ها و نامه های بلند و کوتاه حضرتش همت گماشت آن دسته از احادیث ائمه را آورده که از بلاغت بیشتری برخوردارند. ما می توانیم کار حلوای را تکمیل کار سید رضی در ادامه گردآوری سخنان بلیغ ائمه بدانیم که مقصود اولیه و اصلی سید رضی هم بوده است و کتاب خصائص الائمه (ع) که بعدها در خصائص امیرالمؤمنین (ع) متوقف و به همان نامیده شد در واقع طرح و پی ریزی زمینه آن بوده است. در این میان نقل سخنان پیامبر (ص) بیشتر است تا سخنان امامان (ع) را تقویت کند و به این اندیشه کلامی شیعه قوت بخشد که همه جرعه نوشان

جام نبوتند، ما ترجمه بخشی از مقدمه کتاب را که خود گویای هدف مؤلف است می آوریم:

اما بعد برای تو -خدا مرا از تو برخوردار بدارد- پرتوهایی از سخنان کوتاه و کلمات معجزآسا و حکمت های فرزنان و پندهای درخشان اهل بیت (ع) برگرفته و بنوشته ام که چشم تماشای تو را شادی بخشد و اندیشه تو را بیدار کند و اسناد آنها را حذف کردم تا کتاب از اختصار مطلوب به در نرود و طرفه سخنانی از پیامبر خدا (ص) بر آنها مقدم کردم تا بدین نکته رهنمونگر که اهل بیت جرعه کشان دریای مالا مال اویند و از دانش ژرفش جان خود برمی افروزند و پیامبر- دروهای خدا بر او باد- ریشه ای است و اهل بیت شاخ و برگ اویند، اوست شهر دانش و آنانند درهای شهر، اوست آسمان و حکمت و آنانند وسیله (رسیدن) به آن، اوست معدن و سرچشمه بلاغت و آنانند شکوفه و خرمی آن، دروهای خدا بر آنان باد. اگر آنچه راویان عادل از آنان روایت کرده اند فراهم می آمد نه طومارها گنجاش آن را داشتند و نه پرونده ها یاری دربر گرفتن آن، که آنان سخن به حکمت می گویند و لب به اندرز می گشایند، اما من بر سخن امیرمؤمنان (ع) اعتماد کردم که فرمود: روح هر دانش را برگیرید و ظرف و پوسته را و انهدید که دانش فراوان است و عمر رو به پایان.

نسخه ها و چاپ های در دسترس

آنچه از نسخه های کتاب در دست است سه نسخه خطی متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی، ۳۲ کتابخانه مسجد اعظم قم ۳۳ و

۲۹. برگه نخست نسخه خطی کتاب.

۳۰. همان.

۳۱. همان و نیز صفحه پایانی کتاب آن جا که گوید: و هر کس کتاب های ریحانی و چندی دیگر را صفحه زند می فهمد که سخنان خود را از کلمات بزرگان ما همچون امیرمؤمنان برگرفته اند.

۳۲. این نسخه از سوی مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای به کتابخانه آستان قدس هدیه شده و با شماره عمومی ۱۹۶۰۰ در بخش کتب خطی این کتابخانه نگهداری می شود.

۳۳. این نسخه در ضمن مجموعه ای با رقم ۲۷۱۲ در بخش کتب خطی کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود که به وسیله مرجع دینی عصر آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ق) تأسیس شد.

محدود مواردی که هیچ یک از نسخه‌ها صحیح به نظر نمی‌آمده است پیشنهاد خود را ارائه داده و نسخه‌های دیگر را گزارش کرده‌ایم و در ترجمه هم مطابق نظر نهایی خود عمل کرده‌ایم. در مواردی نیز تفاوت‌های ریز و جزئی را که اثری در فهم و تفسیر متن ندارد گزارش نکرده تا از فزونی پانویست‌ها جلوگیری کنیم و در عوض، تلاش کرده‌ایم تا نشانی احادیث را از کتب تألیف شده پیش از حلوانی استخراج نماییم و از این طریق بر اعتبار مضامین کتاب بیفزاییم و تنها در مواردی که متأسفانه از ذمه الناظر ارجاع داده‌ایم که توفیق دسترسی به منبع کهن‌تر را نداشته‌ایم.^{۳۹} در این میان نشانی‌های برگرفته از نسخه خطی کتاب مقصد الراغب فی فضائل علی بن ابی طالب (ع)^{۴۰} و نیز تذکره ابن حمدون را از نسخه چاپی مؤسسه امام مهدی (عج) گزارش کرده‌ایم و اجر و پاداش و مسئولیت این کار برای مصححان آن است.

برای تسهیل در درست خوانی و فهم احادیث، اقدام به اعراب‌گذاری و ترجمه لغات دشوار و نیز ترجمه همه متن کتاب به فارسی نموده و جهت جلوگیری از ازدحام علامت‌های اعراب از نهادن علامت سکون و حرکات

۳۴. مطابق گزارش مصححان مؤسسه امام مهدی (عج) این نسخه به خط حاج سید ابوالقاسم صفوی اصفهانی - طاب‌ثراه - بوده که در نجف اشرف وفات یافته است.

۳۵. این کتاب از سوی مطبعه حیدریه در ۵۸ صفحه در قطع وزیری و به سال ۱۳۵۶ ق در نجف و با مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم به چاپ رسیده است. این چاپ، غیر از چاپ سال ۱۲۸۴ ق است که در دسترس شیخ آقا بزرگ تهرانی بوده و آن را پر غلط خوانده است. ر. ک: محمد هادی امینی، معجم المطبوعات النجفیه، ص ۳۶۲، رقم ۱۶۳۱؛ الدرریمه، ج ۲۴، ص ۱۲۷، رقم ۶۳۷.

۳۶. این کتاب تحقیق مؤسسه الإمام المهدی (ع) و به اشراف آیت الله سید محمدباقر موحد ابطیجی بوده و در چاپخانه مهر قم چاپ و منتشر شده است.

۳۷. ما این نسخه را با علامت (أ) مشخص کرده‌ایم و به دو نسخه آمده در پانویست نسخه چاپی، تصحیح آقای ابطیجی با (ب) که مواردش بیشتر است و (ج) که نادر است اشاره کرده‌ایم.

۳۸. این مطلب را در مقدمه تصحیح الدرّة الباهرة بیان کرده‌ایم و با مراجعه به متن هر دو کتاب به آسانی قابل اثبات است.

۳۹. گفتنی است برای جداسازی منابع شیعی و اهل سنت ما از علامت (؛) استفاده کرده‌ایم.

۴۰. این کتاب را برخی به حلوانی صاحب نزهة الناظر نسبت داده‌اند، اما همان گونه که شیخ آقا بزرگ تهرانی و مصححان قبلی کتاب گفته‌اند اسناد کتاب نشان از تفاوت فاحش عصر مؤلف مقصد الراغب و نزهة الناظر دارد، رجوع کنید به: الدرریمه، ج ۲۲، ص ۱۱۱؛ مقدمه نزهة الناظر، تصحیح ابطیجی، ص ۴.

نسخه شخصی سید محمد موحد محمدی اصفهانی^{۳۴} است. دو نسخه چاپی نیز سراغ داریم که یکی به سال ۱۴۰۴ ق در مشهد مقدس به طبع رسیده و افسس از چاپ نجف اشرف^{۳۵} می‌باشد و دیگری نسخه چاپ شده به سال ۱۴۰۸ ق در قم.^{۳۶}

نسخه خطی اول از دیگر نسخه‌ها کهن‌تر و متعلق به قرن یازدهم است. متن احادیث این نسخه تا حدی از بقیه نسخه‌ها صحیح‌تر می‌نماید و اعراب اندکی هم دارد که در برخی موارد راهگشاست. این نسخه در دسترس مصححان قبلی ذمه الناظر نبوده و در سال‌های اخیر به کتابخانه بزرگ استان قدس رضوی در مشهد هدیه شده است.^{۳۷} از این نسخه چند صفحه ساقط شده که بخشی از احادیث پیامبر (ص) و بخش کوچکی از احادیث امام علی (ع) را ندارد و نیز چند حدیث از احادیث امام کاظم (ع) به میان احادیث امام سجاد (ع) آمده و با آن خلط شده است. خوش بختانه مستنسخ مطلع کتاب در حاشیه متن به این موارد تذکر داده است. این نسخه چند صفحه هم اضافه دارد که دو صفحه در مقدمه و یک صفحه در شرح احادیث پیامبر است.

بر اساس برخی عبارات‌ها در حاشیه این نسخه مانند عبارت «لیس فی الاصل» در صفحه بیست و یکم احتمال مقابله می‌رود و این نکته قوت دیگری برای این نسخه به شمار می‌آید.

تصحیح جدید

در استفاده از نسخه‌ها، ما نسخه چاپی در دسترس را که آیت الله ابطیجی اصفهانی آن را به طبع رسانده است اصل قرار دادیم، زیرا ایشان هر دو نسخه خطی در دسترس خود و نیز نسخه چاپی اسبق را در مجموع متن و پانویست تصحیح خود آورده و آنها را از هم جدا و متمایز کرده است.

افزون بر این ما در موارد بسیاری از متن کتاب الدرّة الباهرة و گاه بحار الانوار نیز استفاده کرده‌ایم، زیرا بخش بزرگی از الدرّة الباهرة را می‌توان برگرفته از نزهة الناظر دانست^{۳۸} و از این رو می‌تواند نسخه ناقصی از آن به شمار آید و همین مسأله در کتب جوامع و واسطه مانند بحار الانوار که از نزهة الناظر حدیث نقل کرده‌اند، جاری است.

همچنین در تصحیح متن به شیوه انتقادی نیز نظر داشته و در

حروف اشباع شده و نیز برخی دیگر از علامت های غیر ضرور خودداری نموده ایم .

اینک یک حدیث نغز را که به موضوعی مورد نیاز امروز و همیشه پرداخته و ما آن را در دیگر منابع کهن حدیثی نیافتیم و از این رو می توان آن را از کنوز معنوی دانست که به همت حلوانی محفوظ مانده است، تقدیم مشتاقان می کنیم و ترجمه آن را نیز می آوریم و از خوانندگان بزرگوار و نکته بین می خواهیم که اشتباهات در تصحیح و ترجمه را هدیه و توشه راه ما سازند :

و قال الصادق (ع) لَبِعْضِ شَيْعَتِهِ يَوْصِيهِ لَمَّا أَخْبَرَهُ أَنَّ السُّلْطَانَ قَدْ قَبِلَهُ وَ أَقْبَلَ عَلَيْهِ : أَعْلَمُ أَنَّ التَّشَاغُلَ بِالصَّغِيرِ يُخْلُ بِالْمَهْمِ ، وَ إِفْرَادُ الْمَهْمِ بِالشُّغْلِ يَأْتِي عَلَى الصَّغِيرِ وَ يُلْحَقُهُ بِالْكَبِيرِ ، وَ إِنَّمَا يُمْنَى بِهَاتَيْنِ الْخَلْتَيْنِ السُّلْطَانَ الَّذِي تَحْمَلُهُ قَلَّةُ الثَّقَةِ عَلَى تَرْكِ الْاِسْتِكْفَاءِ ، فَيَكُونُ كَالنَّهْرِ بَيْنَ الْأَنْهَارِ الصَّغَارِ تَتَفَجَّرُ إِلَيْهِ عِظَامِ الْأُودِيَةِ ، فَإِنَّ تَفَرُّدَ بِحَمَلٍ مَا تُوَدِّي إِلَيْهِ لَمْ يَلْبَثْ أَنْ يَغْمَرَهُ فَيَعُودُ نَفْعُهُ ضَرْباً ، فَإِنَّ تَشَعُّبَتَهُ مَجَارٍ تَعَلَّقُ بِهِ حَمَلٌ بَعْضُهُ بَعْضاً ، فَعَادَ جَنَابَهُ خَصِيْباً .

فَأَبْدَأُ بِالْمَهْمِ ، وَ لَا تَنْسَ النَّظَرَ فِي الصَّغِيرِ ، وَ اجْعَلْ لِلْأُمُورِ الصَّغَارِ مَنْ يَجْمَعُهَا وَ يَعْضُهَا عَلَيْكَ دَفْعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ عَلَى كَثْرَتِهَا وَ قَلَّتِهَا ، وَ انْصَبْ نَفْسَكَ لِشُغْلِ الْيَوْمِ قَبْلَ أَنْ يَتَّصِلَ بِهِ شُغْلُ غَدٍ ، فَيَمْتَلِكُ النَّهْرُ الَّذِي قَدَّمْتَ ذِكْرَهُ ، وَ تَلْقَى كُلَّ يَوْمٍ بِفِرَاقِكَ فِيمَا قَدْ رَسَمْتَهُ لَهُ مِنَ الشُّغْلِ فِي أَمْسٍ .

وَ رَتَّبْ لِكِفَايَتِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَا يَمْلِكُونَهُ فِي غَدٍ ، فَإِذَا كَانَ فِي غَدٍ فَاسْتَعْرِضْ مِنْهُمْ مَا رَتَّبْتَهُ لَهُمْ بِالْأَمْسِ ، وَ أَخْرِجْ إِلَى كُلِّ وَاحِدٍ بِمَا يَوْجِبُهُ فَعَلُهُ مِنْ كِفَايَةِ أَوْ عَجْزٍ ، فَأَمَحِ الْعَاجِزَ وَ اثْبَتِ الْكَافِيَ . وَ شَيِّعْ جَمِيلَ الْفَعْلِ بِجَمِيلِ الْقَوْلِ ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَسْتَمِيلَ الْعَاقِلَ بِمَثَلِ الْإِحْسَانِ .

وَ اجْعَلْ إِحْسَانَكَ إِلَى الْمُحْسِنِ ، تُعَاقِبُ بِهِ الْمُسِيءَ ؛ فَلَا عُقُوبَةَ لِلْمُسِيءِ أَبْلَغُ مِنْ أَنْ يَرَاكَ قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَى غَيْرِهِ ، وَ لَمْ تُحْسِنِ إِلَيْهِ ، وَ لَا سِيْمَا إِنْ كَانَ ذَلِكَ مِنْكَ ، بِاسْتِحْقَاقٍ ؛ فَإِنَّ الْمُسْتَحَقَّ يَزِيدُ فِيمَا هُوَ عَلَيْهِ ، وَ الْمَقْصُرُ يَنْتَقِلُ عَمَّا هُوَ فِيهِ . وَ مَلَائِكَةُ أَمْرِ السُّلْطَانَ مُشَاوَرَةَ النَّصَحَاءِ ، وَ حِرَاسَةُ شَأْنِهِمْ ، وَ تَرْكُ الْاِسْتِقْرَاءِ ، ٤١ وَ اسْتِثْبَاتُ الْأُمُورِ ؛ ٤٢

امام صادق (ع) در سفارش به یکی از شیعیانش - چون به حضرتش خبر داد که سلطان وی را پذیرفته و به او رو آورده است - گفت بدان که اشتغال به کارهای کوچک کارهای مهم را مختل می کند و تنها پرداختن به کارهای مهم هم کارهای

کوچک را به امور مهم تبدیل می کند و سلطانی این دو کار (اشتباه) را می کند که از سربیی اعتمادی، کسی را به کار نمی گیرد و مانند جویی در میان جوی های کوچک می شود که رودهای بزرگ به آن می ریزد، پس اگر بخواهد خود به تنهایی آنها را ببرد دیری نمی گذرد که آب ها آن را در خود فرو می برند و سودش به زیان تبدیل می شود، اما اگر آن را در شعبه های فرعی و متعددی بریزد هر یک مقداری از آب را می برند و گرداگرد خود را سبز و خرم می سازند .

پس از کارهای مهم بیابان و کارهای کوچک را هم در نظر گیر و کسی را برای کارهای کوچک بگمار تا آنها را دوبار یا کمتر و بیشتر، بسته به مقدارشان، بر تو عرضه کند .

و به کار امروز پرداز، پیش از آن که کار فردا به آن بیبندد که همان جویی که برایت گفتم بر می شود و هر روز در اوقات فراغت به وظایفی پرداز که برایت گفتم و از روز قبل مانده است .

و هر روز وظایف فردای هر کارمندت را مرتب و معین کن و فردایش آنچه را برایشان مرتب کرده بودی از آنان بخواه و با هر کس مناسب کارش رفتار کن، اگر لایق و با کفایت بوده، باقی اش بگذار و ناتوانان را برکنار کن .

و کار زیبا را با گفتار زیبا پی گیر که عاقل را با چیزی بمانند احسان جذب نمی کنی و به نیکوکار، نیکی کن که همین، کیفر بدکار است و کیفری بدتری از آن برای او نیست که ببیند تو به دیگران نیکی کردی و به او نیکی نکردی به ویژه اگر این از سر شایستگی و استحقاق باشد که در این صورت شایستگان بر کوشش خود می افزایند و کم کاران، رفتار خود را تغییر می دهند و اساس کار سلطان، مشورت با خیرخواهان و نگهداری از شأن آنان است و برنیاشتن ٤٣ و درنگ در امور .



٤١ . و في (أ) : «الاستعداد» و الظاهر أنّهما مصحّفان و الصحيح «الاستفزاز» .

٤٢ . لم نجد في المصادر .

٤٣ . ترجمه مطابق با تصحیح قیاسی و بر فرض وجود واژه «استفزاز» است .